

عنوان مقاله:

نماد و جایگاه آن در بلاغت فارسی

محل انتشار:

فصلنامه شعرپژوهی (بوستان ادب)، دوره 2، شماره 2 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسندگان:

حسین آقاحسینی - دانشگاه اصفهان

اشرف خسروی - دانشگاه اصفهان

خلاصه مقاله:

ساختار سنتی بلاغت فارسی محدودیت هایی دارد که اصلاح و بازنگری را در آن ضروری می نماید. متقدمان معمولاً بلاغت را به سه حوزه معانی، بیان و بدیع تقسیم کرده اند و هریک از آن ها را به بخش هایی محدود ساخته و تعاریفی برای آن ها ارائه داده اند. متاخرین علمای بلاغت نیز اغلب از آنان پیروی کرده اند و همین تقسیم بندی و تعاریف را پذیرفته اند. کاربرد این تقسیم بندی و مصداق یابی آن در آثار مختلف ادبی با مشکلات و محدودیت هایی روبه روست و در این آثار، نمونه ها و مواردی دیده می شود که در ساختار و دسته بندی های سنتی جای نمی گیرد و نیازمند حوزه ها و دسته های جدیدی است که لزوم بازنگری در علم بلاغت را یادآور می شود. یکی از موضوعاتی که در این زمینه کارآمد و کارساز است، مشخص کردن جایگاه نماد در بلاغت و ارائه ی تعریفی مناسب با این حوزه، برای آن است. نماد و نمادگرایی همان گونه که در اسطوره شناسی، روان کاوی، هنر، جامعه شناسی، عرفان و سایر حوزه ها تعریف شده و تحولات زیادی ایجاد کرده است، در بلاغت نیز می تواند موجب دگرگونی های زیادی شود و بستری مناسب برای پژوهش های جدید شود و پویایی و تحرک خاصی در این علم به وجود آورد. در این مقاله، نماد به عنوان یکی از صورت های بیان که فراتر از صور خیال قرار می گیرد، تعریف شده و جایگاه آن در حوزه ی بیان به عنوان صورت تجلی مشخص می گردد. همچنین به جایگاه آن در علم معانی به عنوان صورتی فراتر از حقیقت و مجاز و فراتر از ایجاز و اطناب اشاره می شود.

کلمات کلیدی:

بلاغت، نماد، بیان، صورت تجلی، معانی، فراحقیقی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1460678>

